

قدم زدن در باغ نهج البلاغه

■ هاجر زمانی

نقد و معرفی کتاب در باغ نهج البلاغه

نویسنده: علی اکبر حائری

ناشر: بوستان کتاب

موضوع: قصه و حکایت

گروه سنی: ب و ج



قبل از هر چیز به سراغ شناسنامه و فهرست کتاب می‌رویم تا بدانیم موضوع و محتوای کتاب چیست و نویسنده از نوشتن آن چه هدفی داشته است. در اولین صفحه کتاب نوشته شده: قصه و حکایت. اما وقتی مطالب کتاب را می‌خوانیم متوجه می‌شویم از قصه خبری نیست. چون تعریف قصه با خاطره کوتاه فرق دارد و این سؤال پرسیده می‌شود که قصه چیست؟ حکایت چیست؟

قصه: قصه‌ها به حوادث و ماجراهایی می‌پردازند که در زندگی شخصیت‌های داستانی پیش می‌آیند و نقش حادثه در قصه‌ها پررنگ‌تر از نقش شخصیت‌هاست. حکایت: حکایت نوعی از داستان کوتاه است که در آن درس یا نکته اخلاقی به خواننده منتقل می‌گردد و معمولاً این درس یا نکته در انتهای حکایت مشخص می‌شود. حالا برگردیم به قصه‌ها یا حکایت‌های کتاب و ببینیم با تعریفی که از قصه و حکایت کردیم، نسبتی دارد یا نه. «در باغ نهج البلاغه» کتابی است که تلاش کرده با ۱۰ موضوع کوتاه، به ۱۰ سخن از امام علی (ع) که پیام‌های مناسبی برای گروه سنی کودکان دارد، اشاره کند و با زبان و شکلی ساده، نکته‌های اخلاقی را به مخاطب آموزش بدهد. اما با تعریفی که از قصه داشتیم نمی‌توانیم متن‌های

این کتاب را قصه بنامیم چون هیچ حادثه یا ماجرای عجیب و خارق‌العاده‌ای در آن دیده نمی‌شود اما شاید بتوانیم بگوییم این کتاب مجموعه‌ای از حکایت‌های پندآموز برای کودکان است.

از قصه و حکایت که بگذریم می‌رسیم به زبان و نثر کتاب که باید با دقت برای مخاطب کودک نوشته شود. متأسفانه در کنار سادگی نثر، ویرایش انجام نشده و در سطرهایی از کتاب با جمله‌هایی که نیاز به بازنگری و اصلاح دارند مواجه می‌شویم: «امیرحسین از خوشحالی کیفش را به سمت آسمان پرتاب کرد و فریاد زد: بابا بزرگ اومده» (یک کلمه ساده - ص ۴) (جمله اغراق‌آمیز و تصنعی است و خیلی راحت می‌شود بنویسیم: کیفش را بالا انداخت و...).

«چند روزی بود که دیگر بچه‌ها برای بازی سراغش نمی‌آمدند» (آشتی - ص ۶) («که دیگر» حشو است و حذف آن در معنای جمله تغییر یا نقصی ایجاد نمی‌کند).

«ترس و دلهره همه وجودش را می‌لرزاند» (به خاطر امتحان - ص ۱۶ - سطر ۱۱). (جایگزین مناسب این جمله: می‌ترسید).

لحن و زبان کتاب مناسب گروه سنی خردسال و اوایل سن کودکی است و کمی هم به گروه سنی «ب» یعنی اول و دوم و سوم دبستان نزدیک، اما برای گروه سنی «ج» یا چهارم و پنجم دبستان، چنین لحن و زبانی پیش پا افتاده و نامناسب است. باید در نظر داشت که نثر و لحن یک کتاب در ادبیات کودک، نیمی از ارزش متن را مشخص می‌کند، زیرا زبان و ساختار متن‌های کتاب فاقد تخیل و پیچیدگی ادبی برای تأثیرگذاری است، پس باید به نثر سالم و مناسب با گروه سنی مخاطب توجه کرد و لغزش‌های زبانی و حشو را با دقت اصلاح کرد.

از ویژگی‌های کتاب، انتخاب شخصیت‌های دختر و پسر است که باعث شده نویسنده، مخاطبین هر دو جنسیت را در نظر بگیرد و یکسویه و مردسالارانه ننویسد و یا برعکس. تصویرسازی کتاب خوب است و با محتوا تناسب خوبی دارد اما صفحات فاقد سفیدخوانی



زبان و ساختار متن‌های کتاب فاقد تخیل و پیچیدگی ادبی برای تأثیرگذاری است، پس باید به نثر سالم و مناسب با گروه سنی مخاطب توجه کرد و لغزش‌های زبانی و حشو را با دقت اصلاح کرد.

است و ترام در تمام صفحه‌ها، به راحتی اجازه ارتباط با متن و تصویر را نمی‌دهد. قطع کوچک خشتی کتاب برای مخاطبین خردسال و اوایل دوره ابتدایی خوب است اما مخاطب گروه سنی «ج» را راضی و جذب نمی‌کند. اگر قطع خشتی بزرگ برای این کتاب انتخاب می‌شد، خوانایی کار راحت‌تر بود. به علاوه زمینه صفحات رنگی مُرده و فاقد جذابیت برای این گروه سنی است. اگر رنگ شاد و سفید برای زمینه کتاب انتخاب می‌شد، چشم نوازتر و گیراتر بود.

در مجموع می‌توان کتاب «در باغ نهج البلاغه» را به عنوان کتابی آموزشی در ساده‌ترین فرم و قالب با نثری ابتدایی و غیرادبی، برای انتقال موضوع‌ها و مفاهیم مذهبی دانست. اما باید توجه داشت که نسل امروز و فردا، به ادبیات و کتاب‌های جذاب‌تری نیاز دارند تا جایگزین سرگرمی‌های آموزشی مدرن خارجی شود.

داستان «شما چه کاره می‌شوید» از نظر پرداخت و سلامت نثر، بهترین داستان این مجموعه است که از حالت خبری به شکل توصیفی و حسی پرداخت شده است. توصیف حالت و رفتار شخصیت‌ها کمی به داستان و شخصیت‌پردازی نزدیک شده و ارتباط نزدیک‌تری با مخاطب برقرار می‌کند:

«بچه‌ها کلاس را روی سرشان گذاشته بودند. مبصر که خیلی لاغر بود، هر چند ثانیه یک بار کف دست استخوانی‌اش را به میز فلزی می‌کوبید تا ساکت شوند؛ ولی انگار نه انگار! آخر که دید کسی حواسش به او نیست، به طرف در کلاس رفت تا منتظر آقا معلم شود. چند لحظه بعد بچه‌ها با صدای برپا از جا بلند شدند. زنگ انشا بود. دفترها باز شد، اما چیزی برای خواندن نبود. معلم گفته بود جلسه بعد همه باید انشای خود را توی کلاس بنویسند. چیزی که لازم بود، موضوع انشا بود که معلم آن را با گچ قرمز روی تخته نوشت: دوست دارید در آینده چه کاره شوید؟ بچه‌ها مشغول نوشتن شدند. بعضی با هم در مورد شغل آینده‌شان بیچ‌می‌کردند. یکی دستش را مثل هواپیما بالا و پایین می‌برد و دوست داشت خلبان شود. یکی، دو انگشتش را مثل تفنگ به همه نشان می‌داد و می‌گفت: می‌خواهم پلیس شوم. آخر کلاس هم یکی کاغذ مچاله کرده بود و با آن رویایی می‌زد؛ انگار می‌خواست فوتبالیست شود!».



قطع کوچک خشتی کتاب برای مخاطبین خردسال و اوایل دوره ابتدایی خوب است اما مخاطب گروه سنی «ج» را راضی و جذب نمی‌کند.

به علاوه زمینه صفحات رنگی مُرده و فاقد جذابیت برای این گروه سنی است. اگر رنگ شاد و سفید برای زمینه کتاب انتخاب می‌شد، چشم‌نوازتر و گیراتر بود.